

نشریه نثر پژوهی ادب فارسی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ۲۱، دوره جدید، شماره ۴۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

ارزشیابی سبکی کتاب *قصص الخاقانی ولی قلی بیگ شاملو* (علمی - پژوهشی)*

ریحانه کریمایی^۱، دکتر مهدی ماحوزی^۲، دکتر شهین اوجاق علی زاده^۳

چکیده

کتاب *قصص الخاقانی*، شامل تاریخ مختصر صفویان تا پایان روزگار شاه عباس دوم است، بویژه تاریخ مفصل این پادشاه با تفصیل فراوان در زمینه فتح قندهار و پایداری بعد از فتح در برابر سپاه شاه جهان گورکانی؛ هم‌چنین این کتاب، شرح حال برخی از دانشمندان، حکیمان و بسیاری از فرمان‌ها و مکاتبات سیاسی را در بردارد. پژوهش حاضر، با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی سبکی نوشته یاد شده می‌پردازد و می‌کوشد از رهگذر کاوش، در سه سطح زبانی، ادبی و فکری اثر به ارزیابی و نقد سبک شناسانه، اقدام کند. از جمله ویژگی‌ها و جلوه‌های سبکی این کتاب در سطح زبانی، فراوانی افعال پیشوندی، مرکب، وجه وصفی، ماضی استمراری و استفاده از فعل «نمود» و در سطح ادبی، فراوانی تنسیق الصفات، تتابع اضافات، بکاربردن سجع، نمود بیش‌تری دارد. در سطح فکری نیز توجه ویژه به وقایع تاریخی مهم، مبحث قوانین دربار شاهان و تفکرات شخصی ولی قلی بیگ در باب ارادت به شاهان صفوی، نمایان است. وی با استفاده از استعداد خویش و جانبداری از شاه عباس دوم در پی آن است که افتخارات و امتیازاتی حصول کند.

واژه‌های کلیدی: سبک، سبک‌شناسی، تاریخ، ادبیات، *قصص الخاقانی*، ولی قلی بیگ شاملو.

* تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۷/۰۷/۱۱

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۱۰

۱- دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: karimaei@riau.ac.ir.

۲- عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

۳- عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

۱- مقدمه

در آثار همه شاعران و نویسندگان، می‌توان عناصری یافت که سبب تمایز کلام از سخن عادی شود، اما شیوه استفاده همگان از این عناصر یکسان نیست و بر همین اساس است که آنان صاحب سبک می‌شوند. از جمله روش‌های رایج شناخت سبک، تحلیل درون‌متنی یک اثر است که در این روش سطح ادبی، زبانی و فکری اثر ادبی مورد کاوش قرار می‌گیرد و در این مسیر دانش‌هایی هم‌چون نقد ادبی، علوم بلاغی و بویژه زبان‌شناسی نقشی مهم ایفا می‌کند.

۱-۱- بیان مسئله

در این پژوهش کتاب «قصص الخاقانی» که اثریست ناشناخته از تاریخ عهد صفویه به قلم ولی قلی بیگ شاملو مورد بررسی و ارزشیابی قرار گرفته است؛ قلم نویسنده در این اثر، تنها به ثبت تاریخ عهد صفویه، پرداخته است؛ بلکه با مقدمه‌هایی زیبا، توصیفاتی خاص و بیانی ادیبانه، این کتاب تاریخی را رقم زده است و از این حیث این اثر، ارزش پژوهش و بررسی در زمینه‌های مختلف ادبی را داراست. بدست آوردن ویژگی‌های متمایز ادبی، زبانی و فکری ولی قلی بیگ در این اثر، کلمات و واژه‌های مورد استفاده او، شیوه‌های معرفی افراد و اشخاص، استنادها و ارجاعات وی و دسته‌بندی این موارد، نشان داده که الگو و ساختاری خاص در نوشتار او وجود دارد. لازم است این تفاوت‌ها و تمایزها و در نهایت سبک نوشتاری قصص الخاقانی بویژه از دو جنبه تاریخی و ادبی به روشنی ارائه گردد. بهترین شیوه علمی آنست که متن از سه دیدگاه زبانی، ادبی و فکری بررسی شود تا از این رهگذر بتوان ضمن اشراف بر اجزای شکل‌دهنده متن، ساختار متن را با توجه به روابط اجزا با یک‌دیگر دریافت.

۱-۲- پیشینه تحقیق

در زمینه کتاب قصص الخاقانی، هر آن‌چه که تحت عنوان تحقیق و پژوهش صورت گرفته است، بیش‌تر محدود به معرفی اثر است. شرحی برای این اثر نوشته نشده است. اولین تحقیق صورت گرفته، مقدمه و تصحیحی ارزشمند از دکتر سیدحسن سادات ناصری بر کتاب قصص الخاقانیست. به جز این تصحیح، سایر آثار مربوط به این اثر، به صورت مقاله است.

مقاله ابوالحسن مبین (۱۳۸۲)، مقاله محمدصدرهاشمی (۱۳۲۸) و پژوهش تکتم یارمحمدی (۱۳۸۶) تنها به معرفی این اثر پرداخته‌اند. مقالاتی هم چون «نقدادبی در تذکره‌های سبک هندی» از محمد رضایی (۱۳۹۲)، «بررسی سبک هندی در دوره صفوی» از زهرا احمدی (۱۳۸۳) و «بررسی سبکی نثر ترسل و انشا در عصر صفوی» از حمید رضایی (۱۳۹۲)، پژوهش‌هایی است که در زمینه ارزیابی آثار این دوره، وجود دارد.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

تا کنون تحقیقات بنیادی و جدی درباره کتاب قصص الخاقانی صورت نگرفته است و هیچ اثر یا مقاله‌ای، درباره متن قصص الخاقانی، که به بررسی این اثر از لحاظ محتوا یا سبک آن پرداخته باشد، وجود ندارد. ارزشمندی تاریخی و ادبی کتاب قصص الخاقانی، انگیزه این پژوهش شده است، به امید آن که این پژوهش سرآغازی برای تحقیق درباره این اثر باشد.

۲- بحث

۲-۱- سبک و سبک‌شناسی چیست؟

سبک در اصل واژه‌ای است عربی که در لغت به معنای گداختن زر و نقره است؛ لیکن «نظریه پردازان اخیر سبک را به طور مجازی به معنی طرز خاصی از نظم و نثر به کار برده‌اند و آن را در برابر style اروپائیان قرار داده‌اند. style خود از ستلیسوس یونانی مأخذ است، به معنای آلتی فلزی یا چوبین که به وسیله آن، حروف و کلمات را بر روی الواح مومی نقش می‌کرده‌اند. امروز هم ایرانیان، به «قلم» معنای شبیه به سبک می‌دهند و کی گویند، قلمش خوب است» (بهار، ۱۳۴۹: ۳). مجموعه ویژگی‌های نوشتاری یک نویسنده و گوینده است که سبک وی را می‌سازد. در تعریف زبان‌شناسان، سبک عبارت است از شیوه کاربرد زبان در بافت معین به وسیله شخص معین برای هدف مشخص (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۵) باید خاطر نشان ساخت که در مطالبه سبکی، طرح همه عناصر کلام اثر شاعر یا نویسنده نه ضرورت دارد و نه رواست؛ «تنها مصداق‌هایی از این عناصر را در تعیین سبک و کیفیت آن باید دخالت داد که در ابلاغ پیام و ایجاد فضای اثر دارای نقش بوده، دنیای روحی و فکری شاعر را بنمایاند» (سمیعی، ۱۳۸۰: ۷۱). اگر بخواهیم به اختصار به پیشینه

علم سبک‌شناسی پیردازیم، باید گفت «بعد از «فردینان دوسوسور» (۱۸۵۷م-۱۹۱۳م) زبان‌شناس معروف سوییسی، نوبت به شاگردش «شارلی بالی» رسید تا سبک‌شناسی را شاخه‌ای از زبان‌شناسی محسوب دارد و از این ره‌گذر به آن وجهه‌ای علمی بخشید. شاگردان و پیروان او هم همین شیوه را ادامه دادند و روز به روز سبک‌شناسی از حوزه نقد ادبی قدیم خارج و به جانب زبان‌شناسی متمایل شد. به خاطر کوشش‌های فراوان شارلی بالی او را «پدر سبک‌شناسی جدید» می‌نامند. وی کسی بود که نخستین بار بیان داشت «عبارات متحدالمضمون از نظر شدت عواطف و احساسات از هم متفاوتند و این تفاوت، سبک است» (شمیسا، ۱۳۷۲: ۳۱). به هر روی، منظور از سبک یک شاعر یا نویسنده، ویژگی و خصوصیتی است که اثر او را، از آثار سایر نویسندگان و شاعران متمایز می‌سازد. در سبک‌شناسی مسأله بسامد و بررسی آماری سخت مورد توجه است، چرا که همین تکرارهاست که ادیبی را از دیگران متمایز می‌کند.

۲-۲- درباره نویسنده و اثر

ولی قلی بیگ‌بن داود قلی شاملو، مؤلف کتاب تاریخی و ادبی *قصص الخاقانی* در هرات به دنیا آمد، به سیستان رفت و همان‌جا رشد یافت؛ در جوانی منظور نظر ملک نصرت‌خان، والی آن ایالت قرار گرفت و در خدمت او منصب استیفا یافت. «ایل شاملو در دوره‌های آغازین صفویه به هرات کوچانیده شده بودند. آن‌ها به علت ازدواج‌های سببی با خاندان صفویه در دوره شاه اسماعیل اول، وابستگی زیادی به دربار داشتند و دارای نفوذ فراوانی هم بودند. ایشان خاندانی با فضل و کمالات بودند و میانشان تعدادی نویسنده ادیب عالم و آگاه وجود داشت. ولی قلی هم در سال ۱۰۳۵ در هرات بدنیا آمد و در همان‌جا به تحصیل علم و دانش مشغول شد» (نصرآبادی، ۱۳۷۸: ۹۴). «ولی قلی در سیستان مستوفی ملک نصرت خان حاکم زابلستان شد و پس از چندی به دستگاه ذوالفقارخان در قندهار رفت» (صیامحمد، ۱۳۴۳: ۹۱۴). کتاب *قصص الخاقانی* شامل تاریخ مختصری از خاندان صفویان تا روزگار شاه‌عباس دوم ۱۰۷۷-۱۰۵۲ هجری است. کتاب مذکور، دارای سه فصل است: فصل اول شرح حال اجداد صفویه از سلطان فیروزشاه زرین کلاه تا جلوس شاه اسماعیل اول را دربردارد. فصل دوم حاوی روی‌دادهای سلطنت شاه اسماعیل اول، شاه

تهماسب اول، شاه اسماعیل دوم، شاه محمدخدا بنده، شاه عباس اول و شاه صفی می باشد. فصل سوم شامل دوران سلطنت شاه عباس دوم و یک خاتمه که آن را در سال ۱۰۷۶ هجری تألیف کرده است. خاتمه مذکور، که موضوع این پژوهش است، شامل سه تذکره است: تذکره اول احوال تنی چند از علما، حکما، فضلاى آن دوره است. تذکره دوم تراجم احوال تعدا زیادی از شاعران عصر شاه عباس دوم است و تذکره سوم در ذکر احوال درویشان آن روزگاران است و پس از آن پایان نامه ای مختصر نیز نگاشته است، مبنی بر تألیف وقایع دوران شاه سلیمان صفوی تا شاید از این طریق مورد توجه و التفات شاه جدید قرار گیرد، اما ظاهراً چندان توفیق این کار را نیافته است. ولی قلی بیگ کتاب *قصص الخاقانی* را چنان که در مقدمه کتاب خود درج کرده است، در پاسخ گویی به کتاب «لطائف الاخبار» محمد بدیع تونی نوشته است که مربوط به وقایع قندهار در سالهای ۱۰۶۲ تا ۱۰۶۳ است. هم چنین ولی قلی بیگ، شاهنامه شاه عباس را که چهل هزار بیت است سروده است و کیفیت جنگ ذوالفقار خان را در آن آورده است.

۲-۳- سبک شناسی اثر

دانش سبک شناسی یکی از شیوه های بررسی متون ادبی با تکیه بر خصائل زبانی و ادبی آن هاست. هر اثر ادبی به اعتبار ویژگی های سبکی منحصر به فرد خود از آثار دیگر متمایز می شود. این شاخصه های سبکی متمایز کننده متن ادبی از متون ادبی دیگر و به تعریف دیگر هویت آن متن است. به همین دلیل است که در مباحث جدیدتر سبک را «انحراف از نرم یا هنجار بیان دیگران دانسته اند، به این معنی که سبک هر نوشته با سنجش و در تقابل با اثر دیگری درک و مشخص می شود» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۱۶۷). مسئله دیگری که در بررسی سبک شناختی اثر ادبی قابل توجه است، وحدت عناصر و اجزای تشکیل دهنده متن است. واژه گزینی، نحو، صنایع بدیعی و بیانی و در نهایت سبک فکری یا اندیشه حاکم بر متن ادبی به هیچ وجه عناصری مجزا و پراکنده از هم نیستند. «هر واحد ادبی، از تک جمله گرفته تا کل نظم کلمات، با مفهوم نظام ارتباط دارد» (شمیسا، ۱۳۷۲: ۲۶). بنابراین در بحث سبک اثر، بیان ویژگی های سبک شناختی آن به تنهایی کافی نیست و سطوح سه گانه زبانی، ادبی، معنایی که معمولاً در تحلیل های سبک شناختی مورد توجه قرار می گیرند جدا

از یک‌دیگر نیستند. بویژه باید توجه داشت که محتوا یا معنای اثر ادبی، پیوندی ساختاری با عناصر جزئی‌تر آن مانند واژه‌گزینی، نحو، صنایع بدیعی و عناصر بیانی دارد. در این بخش پیش از ورود به بررسی اثر، ذکر یک نکته ضروری است. واضح است که سبک‌شناسی متون نظم، شاخصه‌های زبانی و ادبی بیشتری را در برمی‌گیرد و از این بابت، نثر محدودیت‌هایی دارد. علاوه بر این مسئله، در این پژوهش به ذکر عناصر سبکی قصص‌الخاقانی اشاره شده است که بسامد بیشتری داشته است یا متفاوت با سایر متون تاریخی معاصر خود بوده است.

۲-۴- ویژگی‌های زبانی کتاب قصص‌الخاقانی

۲-۴-۱- کاربرد افعال مرکب و پیش‌وندی: فعل‌های فارسی از نظر ساختمان، سه گونه‌اند: «فعل ساده که از یک ماده ساخته شده و قابل تجزیه نیست. فعل مرکب که از ترکیب یک اسم یا صفت همراه یک فعل ساخته می‌شود و در نهایت فعل پیشوندی که از یک ماده اصلی با یک جزء پیوندی ساخته شده است که همیشه پیش از فعل می‌آید و معنی آن از معنی که تنها شامل ماده اصلیست - یعنی ساده است - جداست» (خانلری، ۱۳۵۱: ۱۷۷). بیش‌تر افعال به کار رفته در کتاب *قصص‌الخاقانی* فعل‌های مرکب هستند، هرچند که بررسی فعل مرکب خارج از جمله، ممکن نیست، به علت حفظ کمیت حجم مقاله، به آوردن افعال مرکب خارج از جمله، بسنده شده است. نمونه‌ها: استمداد نمود (ولی قلی بیگ، ۱۳۷۴: ۳۲)، تعلق گرفت (همان: ۳۲)، سپری گشت (همان: ۳۳)، مدفون ساخت (همان: ۳۱)، شهادت یافت (همان: ۳۱)، التهاب داد (همان: ۳۷۶)، گسیل فرمود (همان: ۴۵۸)، فریب نخورد (همان: ۹۸ / ۲)، همت ساخت (همان: ۲ / ۱۳۲). فعل‌های پیشوندی هم با تعداد کمتر در مقایسه با افعال مرکب، در متن دیده می‌شود. - جناب سید، لحظه‌ای سر به گریبان مراقبت فرو برد (همان: ۲۵). * فعل «بردن» با پیشوند «فرو» معنای جدیدی یافته است. نمونه‌های دیگر: برآوردند (همان: ۱۹۹ و ۳۰)، درآورد (همان: ۳۴۹)، درآمد (همان: ۳۵۱)، فروگرفتند (همان: ۴۲)، درآید (همان: ۵۷)، درآوردند (همان: ۵۷)، برافراخت (همان: ۳۴۰ و ۱)، درآورده (همان: ۹)، درآمد (همان: ۳۳ و ۳۷). در مجموع «۲۱۲» فعل پیشوندی و «۹۸۵» فعل مرکب یافته شد.

۲-۴-۲- علامت جمع: بنابر قواعد دستور زبان فارسی «جمع، صورتی از کلمه است که بر بیش از یکی دلالت کند» (خانلری، ۱۳۵۱: ۵۱). برای دست‌یابی به اسم جمع، یکی از دو جزء «ان» و «ها» به اسم مفرد اضافه می‌شود و در دستور زبان عربی هم، نشانه جمع، اضافه شدن جزءهای «ات»، «ون» و «ین» به کلمات است. هم‌چنین جمع‌های سماعی (جمع مکسر) نیز کاربرد دارد. ولی قلی بیگ شاملو در کتاب *قصص الخاقانی*، از میان نشانه‌های جمع فارسی به نشانه «ان» و از میان جمع‌های عربی به جمع مکسر، توجه ویژه دارد.

۱. نمونه‌هایی از استفاده از نشانه جمع «ان»: - بعضی مریدان گفته‌اند که شجره جمال الدین علی، بحلیه کمال آراسته است (ولی قلی بیگ، ۱۳۷۴: ۲۷). زنان (همان: ۲۶) عالمیان (همان: ۲۷)، معتقدان (همان: ۳۰)، فرزندان (همان: ۳۱)، دوستان (همان: ۳۳)، دولت خواهان (همان: ۳۵)، ناقلان (همان: ۱۸)، غلامان (همان: ج ۲: ۱۳۲)، منشیان (همان: ج ۲: ۱۶۱).
 ۲. نمونه‌هایی از استفاده از جمع مکسر در کتاب *قصص الخاقانی* که به وفور دیده می‌شود و نشان از کاربرد فراوان لغات عربی در این اثر است: اولاد (همان: ۳)، عبّاد (همان: ۲۷)، آسباب (همان: ۲۶)، اطوار (همان: ۳۰)، اکتاف (همان: ۱۵)، اجداد (همان: ۱۹)، احوال (همان: ۴۷۳)، قلوب (همان: ۴۸۱)، ایام (همان: ۴۸۹). شایان ذکر است در مواردی معدود نیز ولی قلی بیگ، نشانه جمع فارسی را برای کلماتی که جمع مکسر عربی هستند، به کار برده است: ابواب‌ها (۵۸) جواهرها (۳۳) دیارهای اطراف (۱۸۷). نمونه‌های دیگر در صفحات: (همان: ۱۴۹، ۱۷۴، ۱۳۸، ۱۲۷، ۱۹۷، ۲۱۱). در مجموع «۱۰۸۲» جمع مکسر، «۳۹۳» نشانه جمع «ان»، «۱۵۷» نشانه جمع «ها» و «۲۸۳» نشانه جمع «ات» و «۳۷» نشانه جمع «ین» یافت شد.

۲-۴-۳- افعال وصفی: فعل وصفی «اسم مفعولیت که کار فعل را انجام می‌دهد و با فعلی دیگر که غالباً بعد از آن می‌آید و با آن دارای مسندالیه واحدیست هم‌نشین می‌گردد. فعل وصفی در حکم فعلیست که بی **واو** یا با **واو** به آن عطف می‌شود. فعل وصفی در قدیم، جنبه قیدی و وصفی نیز داشته است» (فرشیدورد، ۱۳۵۰: ۶۶). ولی قلی بیگ، استفاده بسیار فراوانی از وجه وصفی فعل دارد و گاهی دو، سه یا چند فعل وصفی در یک جمله دیده می‌شود و می‌توان گفت، جای‌گزین و هم‌نشینی برای افعال دیگر جمله‌اش محسوب می‌شود. - اتفاقاً از ناوران، گرجی به شهر ریخته، دست به قتل و غارت

بر آوردند (ولی قلی بیگ شاملو، ۱۳۷۴: ۲۳). نمونه‌های دیگر: گشته (همان: ۶)، افتاده (همان: ۹)، نموده (همان: ۱۰)، یافته (همان: ۱۵)، گسترده (همان: ۲۲)، ریخته (همان: ۲۳) و (همان، ج ۲: ۸۷)، شکسته (همان، ج ۲: ۱۱۳). در مجموع «۸۳» وجه وصفی فعل در متن کتاب یافت شد.

۲-۴-۴-استفاده مکرر از فعل «نمود»: فعل نمودن که در متون ادبیات بسیار پر کاربرد است، معانی وسیعی نیز یافته است، از جمله این معانی: کردن، ساختن، گردانیدن و نمایش دادن است. در گذشته دور معنای این کلمه، تنها، نشان دادن و آشکار ساختن بود و بصورت مستقل و حقیقی به کار می‌رفت. سپس به مرور زمان شامل معانی دیگر شد. برای مثال، غزالی در کتاب کیمیای سعادت جلد دوم آورده است: «بدان خدای که این معجزه تورا بنمود، بگوی تا نان کجا شد؟» (غزالی، ۱۳۸۲: ۱۸۷) و یا در جایی دیگر، ابوعلی سینا در کتاب دانش‌نامه علایی گفته است: «باز نمودن حال هستی و افتادن وی بر چیزهای دیگر...» (ابوعلی سینا، ۱۳۸۳: ۸). ولی قلی بیگ شاملو هم در کتاب *قصص الخاقانی*، به وفور از فعل نمودن، در معانی مختلف ساختن، کردن و... آن هم در زمان‌های مختلف ماضی، مضارع و مستقبل آورده است؛ هم‌چنین در بسیاری از موارد بصورت فعل مرکب یا صفت مرکب مفعولی به کار رفته است: - روز دوشنبه دوازدهم شهر رجب والد و ولد پابوس منصب نمودند (ولی قلی بیگ، ۱۳۷۴: ۲۸۴).

نمونه‌های دیگری که نمود به صورت فعل مرکب آمده: مقرر نمود (همان: ۲۵۰)، مشاهده نمود (همان: ۲۵۲)، حاصل نمود (همان: ۲۵۷)، مثنی نمود (همان: ۴۰۱)، صرف نمود (همان: ج ۲، ۱۱۴). نمونه‌هایی که بصورت صفت مرکب مفعولی آمده است: براه نمود (همان: ۵۶)، نظر نمود (همان: ۳۱۹)، مقرر نمود (همان: ۲۵۰ و ۱۷۵)، دور نموده (همان: ۲۱۲). در مجموع «۲۹۷» فعل مرکب از نمودن و «۱۷۲» صفت مفعولی مرکب «نموده» یافت شد.

۲-۴-۵- استفاده فراوان از عدد و معدود: از آنجایی که ولی قلی بیگ شاملو در کتاب *قصص الخاقانی* به ثبت وقایع تاریخی پرداخته است، بی‌شک، اشاره مستقیم و ذکر تعداد دقیق هر چیزی برای وی اهمیتی بسیار داشته است. گاهی تکرار فراوان این اعداد باعث قلت زیبایی متن می‌شود، لیکن از نظر تاریخی و اسناد، این اعداد و شمارها دارای

اعتبار و ارزش است. ذکر این نکته حائز اهمیت است که ولی قلی بیگ، تاریخ‌های فوت و تولد را هم بصورت حروف و هم بصورت عدد آورده است و ذکر تاریخ وقایع مهم را نیز با روز و ماه. این اعداد و رقم شامل مسائل متعددیست:

۲-۴-۵-۱- ذکر سال و ماه وقایع: -در شهر رمضان المبارک سنهٔ خمس و ثمانین و تسعمائه (۹۸۵ه.ق) به هرات رسید (همان: ۱۱۹). -در سنهٔ ۱۰۰۲ عبدالمؤمن خان از ترکستان به خراسان آمده بود (همان: ۱۸۲).

۲-۴-۵-۲- ذکر تعداد افراد، سربازان و سپاهیان و خدمهٔ شاه: هفت هزار نفر (همان: ۲۵)، سی هزار کس (همان: ۳۶)، سه هزار تبعه غلام (همان: ۴۲۳)، یک هزار نفر اسیرمقید (همان: ۴۱۴)، هفت نفر مخالف (همان: ۳۹۴)، سی هزار نفر (همان: ۵۹).

۲-۴-۵-۳- ذکر عدد مربوط به فاصله‌های مکانی: چهارفرسخ (همان: ۳۹۵)، چهل گز (همان: ۵۰۵)، شصت ذرع (همان: ۵۰۵)، چهارفرسخ (همان: ۳۵۹).

۲-۴-۵-۴- ذکر عدد مربوط به سلاح، ابزار و آلت‌های جنگی، پول یا اشیاء دیگر: پانصد قبضه سلاح (همان: ۳۳۵)، چهار قبهٔ مرصع (همان: ۱۹۴)، پنج هزار تومان (همان: ۱۷۲)، چهل سر اسب (همان: ۱۳۷)، دوازده چادر قرمزی، یک صد و بیست جامه، چهار صد ثوب جامهٔ مخمل (همان: ۵۶).

۲-۴-۵-۵- ذکر سال فوت یا ولادت اشخاص: -وفاتش در شهر سنهٔ تسع و سبعین و سبعمائه (۷۷۹ه.ق) (همان: ۲۹). -در سنهٔ هزار و شصت و چهار در خطهٔ ساری وفات یافت (همان، ج ۲: ۱۵۰). در مجموع: «۷۹» مورد ذکر وقایع مهم تاریخی، «۴۶» مورد ذکر تعداد سپاه و سرباز و افراد، «۳۲» مورد ذکر عدد و معدود مربوط به فاصله‌های مکانی یا زمانی، «۱۲» مورد ذکر عدد مربوط به سلاح، ابزار جنگی یا اشیاء درباری، «۵۰» مورد ذکر فوت، شهادت یا ولادت، یافته شد.

۲-۴-۶- استفادهٔ مکرر از پیشوند «می» بر سرفعل (ماضی استمراری): اصولاً «پیشوند می» بر سرفعل ماضی، نشان‌دهنده و بیان‌کنندهٔ استمرار فعل در زمان گذشته است. این نوع فعل - به جهت ارائهٔ متن تاریخی که روایت از اتفاقات گذشته بوده و ذکر اموری که دارای استمرار است - کاربرد چشم‌گیری در قلم ولی قلی بیگ دارد. - ... حالات غریب، چون کشف قبور و امثال ذلک مشاهده می‌نمود (همان: ۲۴). نمونه‌های دیگر:

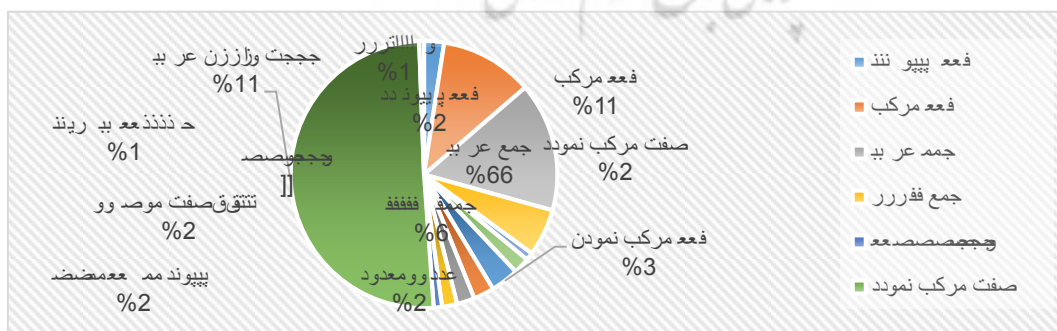
می‌گردید(همان: ۱۴)، منع نمی‌کردید(همان: ۱۴۳)، می‌بایست(همان: ۲۷۷)، می‌درخشید(همان: ۲۸)، می‌ورزید(همان: ۳۱)، می‌فرمودند(همان: ۴۶)، می‌چشید(همان: ۵۳). در مجموع «۱۸۸» مورد از این نوع فعل پیشوندی یافته شده است.

۲-۴-۷- **مطابقت موصوف و صفت:** گاهی صفت و موصوف، در تعداد، جنس، معرفه و نکره بودن و ... با هم تطابق دارند، که این تطابق وزن و آهنگ زیبایی در متن ایجاد می‌کند. صفات در زبان فارسی - از آن‌جا که مذکر و مؤنث ندارند - با موصوف خود مطابق نیستند؛ لیکن در زبان عربی این مسئله رعایت می‌شود؛ به نمونه‌هایی از این تطبیق اشاره می‌شود: تبعه صوفیه(همان: ۲۱)، روضه رضویه(همان: ۲۱)، خزانه عامره (همان: ۲۴۱)، رقعہ رفیعه(همان: ۵۴)، بلده طیبیه(همان: ۱۹۰)، خزانه عامره(همان: ۱۸۵ و ۱۶۲)، مکة معظمه(همان: ۱۶۰). در مجموع «۱۶۰» مورد صفت و موصوف مطابق، یافته شده است.

۲-۴-۸- **حذف فعل به قرینه:** فعل از ارکان جمله است و جمله بدون فعل دارای مفهوم نیست، لیکن گاهی فعل به قرینه لفظی یا معنوی حذف می‌شود. چنین حذفی در متن قصص الخاقانی نیز یک شیوه مرسوم است. بخصوص در بخش‌هایی که ادبیت کلام بیش‌تر است.

– نه طاق رواق سپهر آسات را ساق عرش ستونی. بارگاه جهان‌پناه را کمند کهکشان طنابی. عظیم فلک و قدر زمین و باد و نقطه قاف قدرت، هم‌سنگ (همان: ۲). نمونه‌های دیگر(همان: ۱۲۵ و ۳۰۷ و ۳۱۰ و ۳۳۴ و ۴۶۴ و ۴۹۸). در مجموع «۸۸» مورد از این حذف وجود داشته است.

نموداریک: بسامد ویژگی‌های زبانی به کاررفته در قصص الخاقانی



۲-۵-۵- ویژگی‌های ادبی قصص الخاقانی

۲-۵-۱- تنسیق الصفات: «تنسیق در لغت به معنای آراستن و ترتیب دادن است و در اصطلاح ادبیات فارسی، تنسیق الصفات آن است که با نظمی خاص برای موصوف واحد، صفات متعدّد آورده شود» (راستگو، ۱۳۸۲: ۹۰). در کتاب قصص الخاقانی هم، قسمت‌هایی که ولی قلی بیگ، به مدح پادشاهان یا خداوند پرداخته، از این آرایه استفاده کرده است: - واهب هر مواهب بخشنده بی منت جواد بی ضنت... (ولی قلی بیگ، ۱۳۷۴: ۳). - امیر بی نظیر دیوان عظیم الشان خلافت، امام المتّقین، یعسوب الدّین، سید الوصّیین، امیر المؤمنین... (همان، ۶). نمونه‌های دیگر: (همان، ۸ و ۱۵ و ۱۷) (همان: ج ۲، ۱۶۵ و ۱۷۰ و ۱۱۰ و ۳۳ و ۳۲ و ۳۴ و ۳۶ و ۴۲ و ۴۹ و ۵۳ و ۵۹ و ۶۲). در مجموع «۴۳» مورد تنسیق الصفات، ملاحظه شد.

۲-۵-۲- استفاده از شعر در نثر: در متن قصص الخاقانی گاهی از شعر استفاده شده است؛ این اشعار گاهی متّعلق به خود مؤلف است و گاهی از دیگران نقل کرده است. آن چه مورد توجّه است این مسئله است که بیت به کار رفته از لحاظ مضمون، کاملاً با متن مطابقت دارد و به عنوان استناد، آمده است. نمونه‌هایی از شعر مؤلف:

- خلاصه کلام آن که مجلسی در نهایت رنگینی به حدّی منعقد گشت که غنچه طبع تماشاگران گل شکفت و زبان حق ترجمان هر کس مضمون این بیت را در تعریف و توصیف آن محفل منیف می‌گفت: از خجالت کی براندازد به روی خود نقاب گر تماشای چراغانت نماید آفتاب (همان: ۳۰۲). نمونه‌های دیگر: (همان: ۹ و ۱۲ و ۱۵ و ۱۹ و ۲۶ و ۴۷ و ۸۶ و ۱۳۹ و ۱۸۶ و ۲۰۶ و ۲۱۵ و ۲۲۸ و ۲۹۳ و ۳۰۲ و ۳۱۱ و ۳۱۴ و ۳۱۷ و ۳۶۷ و ۳۸۳ و ۴۴۸ و ۴۷۰ و ۴۸۴). در بسیاری از موارد هم از شعر شاعران دیگر استفاده کرده است. نمونه‌های دیگر: (همان: ۱۳ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۱ و ۸۷ و ۱۰۱ و ۲۱۰ و ۲۱۷ و ۲۹۱ و ۳۱۰ و ۳۴۷ و ۴۹۸). در مجموع «۲۸۵» مورد از شعر دیگر شاعران و «۳۴۰» مورد شعر مؤلف _ و یا

شاعری گم‌نام - بوده است

۲-۵-۳- به کار بردن سجع در متن: سجع آن است که کلمات آخر قریب‌ها، در وزن یا روی یا هردو موافق باشند (همایی، ۱۳۸۱: ۴۱). ولی قلی بیگ در بخش‌هایی از کتاب که به صورت ادبی دست به قلم شده است، بخصوص اوایل فصل‌ها و یا هنگام مدح و تمجید

شاهان، از سجع استفاده فراوان کرده است، لیکن در بیان متون تاریخی و وقایع دیگر نیز، چندان از این صنایع دور نشده است. نمونه‌هایی از سجع در کتاب *قصص الخاقانی*: قلم، دم (ولی قلی بیگ، ۱۳۷۴: ۱)، همت، قدرت (همان: ۱)، آیان، نمایان (همان: ۲)، عشرت، مرتبت (همان: ۲۶۸)، ظفر و قدر (همان: ۷)، کلام و علام (همان: ج ۲، ۱۵۹). در مجموع «۱۶۸۰» مورد سجع یافت شد.

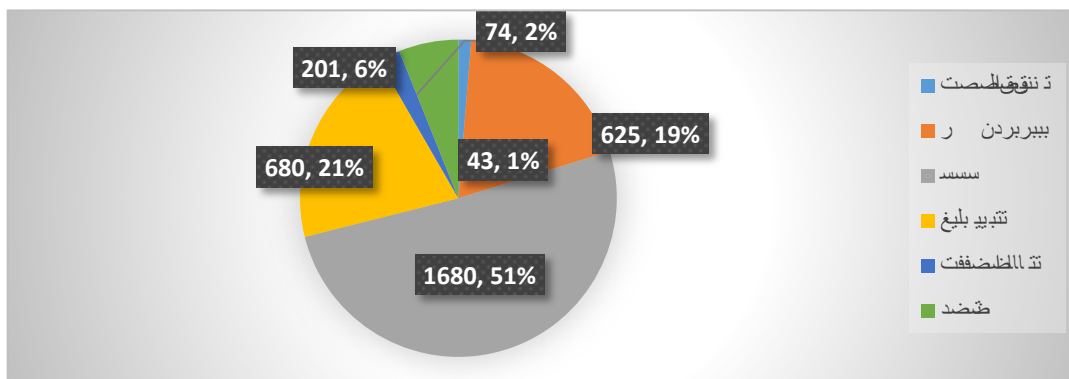
۲-۵-۴- استفاده از تشبیه بلیغ: «به تشبیهی که هم وجه شبه و هم ادات تشبیه در آن ذکر نشده باشد تشبیه بلیغ گویند، تشبیه بلیغ در واقع همان تشبیه مؤکد و مجمل است» (الهاسمی، ۱۳۸۷: ۶۳/۲).

تشبیه در متن *قصص الخاقانی*، به صورت بلیغ آمده است. موارد زیر نمونه‌هایی از این تشبیه در نثر ولی قلی بیگ شاملوست:

گلشن سرای قدس (ولی قلی بیگ، ۱۳۷۴: ۱۱۴)، خاک مذلت (همان: ۱۵۹)، بحر طبع (همان: ۱۶۹)، زنگ ملال (همان: ۱۷۱)، کلاه آتش (همان: ۳۴۸)، لاله رخسار (همان: ج ۲، ۱۰)، کوره دل (همان: ج ۲: ۱۲)، خزان مصیبت (همان: ج ۲، ۲۴). در مجموع «۶۸۰» مورد تشبیه بلیغ یافت شد.

۲-۵-۵- تتابع اضافات: یکی از عیوب فصاحت کلام، تتابع اضافات است، «کسره‌های متوالیست خواه در اضافه باشد و خواه در وصف» (همایی، ۱۳۸۱، ۲۱)؛ یعنی کلمه‌ها در جمله به صورت متوالی با کسره به اضافه شده باشند و معمولاً تداخل در رسایی کلام و فهم جمله می‌شود. در *قصص الخاقانی*، تتابع اضافات بخصوص در مدح پادشاهان بسیار دیده می‌شود: -آنچه در باب توجه نواب کامیاب سپهر رکاب خورشید قباب گوهر دریای سلطنت و اجلال سرو سرافراز جویبار سعادت و اقبال، شجره طیبه گلشن شوکت و عظمت، ثمره شجره خلافت،... (همان: ۵۴) در مجموع «۷۴» مورد تتابع اضافات دیده شد.

نمودار دوم: بسامد ویژگی‌های ادبی در قصص الخاقانی



۶-۲- ویژگی‌های فکری

محورهای اصلی اندیشه و تفکرات ولی قلی بیگ شاملو در کتاب قصص الخاقانی در چند بخش متفاوت ظاهر می‌شود. این تقسیم، شامل اندیشه‌های شخصی و دغدغه‌های فردی وی و هم‌چنین شامل تفکرات سیاسی و حسّ وظیفه‌شناسی وی در قبال دربار بوده است. از این رو، محتوا و مضمون این اثر به بخش‌هایی که در ذیل آمده، تقسیم شده است، این ویژگی‌ها، عبارت است از:

۶-۲-۱- ذکر وقایع مهم تاریخی عهد صفویّه: ولی قلی بیگ، در اکثر موارد خود در میان حوادث بوده و بسیاری از وقایع را به رأی العین شاهد آمده و بیش‌تر اخبار را از دید و دیدار خود نقل کرده است. مهم‌ترین مضمون و محور اندیشه ولی قلی بیگ شاملو، در کتاب قصص الخاقانی مبحث تاریخی دوره صفویّه است. به خصوص تأکید فراوانی بر ماجرای فتح قندهار و پای‌داری بعد از فتح آن، در برابر ارتش انبوه شاه جهان پادشاه مغولی هندوستان (۱۰۶۹-۱۰۳۷ ه.ق) دارد و با ذوق و میهن‌پرستی فراوان، همه آنان را با صفات سیه زاغان، پرفیب، افاغنه ملاعنه و امثال آن آورده است. ولی قلی بیگ در این اثر، ابتدا شرح حال اجداد صفویّه از سلطان فیروز شاه زرین کلاه تا جلوس شاه اسماعیل اول را توضیح داده است، سپس وقایع عهد سلطنت شاه اسماعیل اول، شاه تهماسب اول، شاه اسماعیل دوم، شاه محمدخدا بنده، شاه عباس اول و شاه صفی و در نهایت شاه عباس دوم را به

تصویر کشیده است. در این میان، ذکر بعضی وقایع تاریخی با تمام جزئیات دارای اهمیتی ویژه است. برای مثال، نمونه‌هایی از آن ذکر می‌شود:

- وقف‌نامه شاه عباس: یکی از مهم‌ترین وقایع، «وقف‌نامه شاه عباس کبیر» است که این پادشاه طبق این وقف‌نامه، تمام املاک، جواهر و حتی اسب‌های اصطبل و آنچه در آن تصرف داشته، وقف کرده است. حتی حمام شاه اصفهان و دکان‌های قیصریه، جزو این وقف‌نامه است. بخش‌هایی از این وقف‌نامه به همراه ترجمه فارسی: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَقَفَ كُلَّ حَامِدٍ بِالْعَجْزِ عَنِ آدَاءِ تَحْمِيدِهِ وَقَصَرَ كُلُّ شَاكِرٍ عَنِ الْقِيَامِ بِشُكْرِ إِحْسَانِهِ مَزِيدَهُ نَحْمِيدُهُ عَلَى مَا أَلْهِمَ مِنْ أَرْتَضَى مِنْ أَوْلِيَائِهِ لِأَذَاعِهِ أَنْوَاعِ الْمُبْرَاتِ وَنُصَلِّي عَلَى سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَاشْفِ أَهْلَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ وَالشَّافِعِ الْمَشْفَعِ فِي يَوْمِ الْجَزَاءِ...» (ولی قلی بیگ، ۱۳۷۴: ۱۸۷ و ۱۸۸).

نسخه خطی وقف‌نامه شاه عباس، که با شماره مدرک ۱۰۱۲-۳۰۳۵۳ در کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود، مشتمل بر صورت وقف‌نامه شاه عباس اول صفوی (حکومت ۹۹۶-۱۰۳۸ ق.) است که مواردی را بر «سادات حسینی»، «ساکنان نجف»، «سادات بنی فاطمه»، «مستحقان شیعه»، «مرقد علی بن ابی‌طالب (ع)» و «مقبره صفویه» وقف کرده است.

این نسخه خطی «وقف‌نامه شاه عباس» توسط محمد کریم بن اسماعیل قاضی، با خط نسخ و در قرن ۱۱ قمری کتابت شده است. محمد صدرهاشمی در مورد این وقف‌نامه می‌نویسد: «به خاطر دارم چندسال قبل به اصرار جمعی از دوستان، متن این وقف‌نامه را در روزنامه محلی نقش جهان به چاپ رساندم و پس از مدتی هم اداره کل اوقاف نسخه آخر آن را خواست؛ ولی اقدام شد یا نه، اطلاعی ندارم فقط این پیش‌آمد سبب شد که بعضی از مقدسین دیگر بحمی مذکور نرفتند» (صدرهاشمی، ۱۳۲۸: ۲۱). در بخش دوم کتاب که با جلوس شاه عباس دوم در کاشان آغاز می‌شود، واقعه فتح قندهار و سه عملیات ناموفق مغولان هند برای استرداد آن به طور کامل، مورد بررسی قرار گرفته است. به عقیده دکتر ریاض الاسلام، «مؤلف قصص الخاقانی در این موارد، روابط مغولان و صفویان را له طور کلی در نظر گرفته است و گزارش‌های وی از حکومت‌های قبلی نیز مفید است. وی هم

چنین در گزارش این روابط به انگیزه‌های برجسته فرقه‌ای تمایل دارد» (ریاض الاسلام، ۱۳۷۳: ۳۵۸).

-فتح‌نامه قندهار: از جمله اسناد مهم دیگری که در بخش دوم کتاب ارائه شده، متن فتح‌نامه‌ایست که پس از تصرف قندهار توسط سپاه صفوی توسط میرامحمد وحید، مؤلف کتاب عباس‌نامه که در آن زمان منصب مجلس‌نویسی داشته، به رشته تحریر درآمده و به پای‌تخت اصفهانیان ارسال شده است تا «کلاتران و جمهور سکنه دارالسلطنه اصفهان، به مژده این اخبار میمنت آثار، مراسم شادمانی و لوازم شر حضرت سبحانی از دل و جان تقدیم رسانند» (ولی قلی بیگ، ۱۳۷۴: ۱۷۶).

- انتساب شاه عباس به امام موسی کاظم (ع): که در باب اول کتاب شرح حال از اجداد شاه عباس دوم است، آنان را به امام موسی کاظم (ع) منتسب می‌کند و بر هریک از اجداد شاه عباس مختصری به دست می‌هد. در این بخش از کتاب، که از کتاب «صفوة‌الصفاء»ی ابن یزاز هم آمده است، ولی قلی بیگ، در بین نوشته‌ها، اشعاری را که شاه اسماعیل در مدح حضرت علی (ع) سروده را نیز آورده است (همان: ۲۱۰).

-صلح‌نامه گرجستان: از جمله وقایعی که در دوران شاه عباس اول رخ داد، فتح بغداد و موصل در سال ۱۰۳۱ه.ق و امضای صلح‌نامه با گرجستان و حفظ مرزهاست. در سال ۱۰۴۲ه.ق که شاه عباس دوم متولد می‌شود، در دوزان سلطنت شاه‌صفی، مراد عثمانی درآمد. (همان: ۱۴۹).

-حضوروالی ترکستان و ساخت بنای عالی قاپو و نقش جهان: شرح پذیرایی از امام قلی خان والی ترکستان که در سال ۱۰۵۲ه.ق به ایران آمد با جزئیات کامل در این کتاب وجود دارد. در سال ۱۰۵۳ه.ق به دستور شاه ساخت بنای عالی قاپو و میدان نقش جهان شروع می‌شود. نویسنده در این قسمت، اشعاری را از محمدطاهر وحید، نویسنده «عباس‌نامه» آورده است. از این به بعد مراوده با کشور هند نیز به منظور پس گرفتن قلعه قندهار جریان دارد (همان: ۲۸۱).

-بیماری و مرگ شاه عباس: شاه عباس که به علت ناخوشی با تجویز پزشکان به مازندران سفر می‌کند، روز به روز حالش بدتر می‌شود، آن‌جا شراب را ترک کرده و توبه می‌کند. در کتاب آمده که شاه عباس در پایان عمر خود، به کارمندان خویش وجوهی از

خزانه پرداخته و مقداری را هم وقف حرم امام رضا(ع) در مشهد کرده بود و پنجم ربیع الاول سال ۱۰۷۷ه.ق در دامغان در گذشته است. جسد وی را برای تدفین به قم منتقل کردند. وی ۳۴ سال و ۹ ماه بیش تر نزیست و ۲۵ سال حکومت کرد (همان: ۳۱۱).

نمونه‌های دیگر از وقایع تاریخی مهم ذکر شده در کتاب قصص الخاقانی: بیان زلزله مهیب ولایت قزوین و تلف شدن جمع کثیری از سکنه آن (همان: ۲۵۷). ذکر قتل میرزا تقی‌الدین محمد وزیر اعظم شاه عباس دوم (همان: ۲۸۴). بیان فتح قلعه ایروان (همان: ۲۱۶). صلح‌نامه (همان: ۲۰۰). مراسم جلوس شاه عباس (همان: ۱۳۱). جلوس شاه عباس دوم (همان: ۲۶۶).

۲-۶-۲- مبحث قوانین دربار شاهان: شاملو در لابه‌لای بیان حوادث تاریخی، متن بسیاری از دستورکارها، شجره‌نامه‌ها و بیان نسبت‌ها، فرمان‌ها و وقف‌نامه‌های پادشاهان صفوی و ماده تاریخ‌های فراوانی را در کتاب خود گنجانده است و نیز به انواع بناهایی که در این دوران ساخته شده، پرداخته است. مؤلف به لحاظ نزدیکی به مرکز قدرت به شیوه و روش مورخان درباری و با دیدی تمرکزگرایانه، به نگارش اثر خود پرداخته است. - در بیان نسب والای اعلی حضرت ظل‌الهی (همان: ۲۰). فرمان صف‌آرایی نمودن مقابل سپاه خودرای هندوستان (همان: ۲۴۷). فرمان فرستادن خاقان ظفر همال ساروخان تالش به بلاد روم (همان: ۲۵۵). ذکر شکار فرمودن نواب صاحب قران (همان: ۳۰۴). فرمان نوشتن حضرت صاحب قران در ذکر منازعه در میان گروه مخالف (همان: ۳۸۱). سواد فرمان که بعد از فتح قلعه به پادشاه والجاه هندوستان (همان: ۴۱۸).

هم‌چنین در بخشی از کتاب، مؤلف اطلاعات جالبی در مورد امور نظامی و انواع سلاح‌های آن دوره ارائه می‌دهد. شاملو در ضمن شرح دستور شاه صفی مبنی بر قصد بازپس‌گیری قلعه قندهار می‌نویسد: «مقرر شد که انیس‌الدوله مرادخان توپچی باشی به شهر مشهد رفته و چند قبضه توپ قلعه کوب تهیه نماید. این کار در عرض مدت کوتاهی انجام گرفت و پنج قبضه توپ هریک به وزن ده من تبریز و گلوله به وزن دوازده من آماده گردید. اسامی خاصی نیز برای آن‌ها انتخاب شد: اولین توپ امام، دومین توپ اصلان، سومین توپ اژدها، چهارمین توپ ببریان و پنجمین توپ ایلدریم (همان: ۲۵۸).

۲-۶-۳- تفکرات شخصی و اندیشه‌های فردی ولی قلی بیگ شاملو: مؤلف

قصص الخاقانی مردی ادیب و دانشمند و تا حدّ زیادی نسبت و تا حدّ زیادی نسبت به معارف عصر خویش آگاه بوده است و کتابش از مطالب فلسفی، اخلاقی، مذهبی و اصطلاحات موسیقی بی‌بهره نیست. هم‌چنین به گفتهٔ مرحوم سادات ناصری، مصحح کتاب قصص الخاقانی «طبع مؤلف کتاب از لحاظ شاعری به حماسه‌سرایی تمایل دارد و کاملاً آشکار است که فاضلی شاهنامه‌خوان و شاهنامه‌دان بوده است و استادی و چیرگی وی در نثر و نظم امری مسلم است» (سادات ناصری، ۱۳۵۶: ۱۳).

۲-۶-۴- هدف‌های شخصی انماض در قلم ولی قلی بیگ شاملو: از آن‌جا که

مؤلف قصص الخاقانی از صاحب منصبان دولت صفوی محسوب می‌شده، دیدگاه او در تاریخ‌نگاری نیز تحت تأثیر همین امر قرار گرفته و وقایع را از دیدگاه دولت‌مردان و هواخواهان و ارادت‌مندان این دولت و پادشاه وقت به رشتهٔ تحریر درآورده و همه‌جا به مدح و ستایش آنان پرداخته است. اگرچه به گفتهٔ خودش می‌خواسته کتاب را برای استفادهٔ سخن‌شناسان و خردمندان به فصاحت به نگارش درآورد، تا بعد از قبول طبایع سنجیده و پسندخاطرهای پسندیده به عنوان یادگاری از وی در صحیفه روزگار باقی بماند. نمونه‌هایی از وقایع مهمی که در عصر صفوی رخ داده و ولی قلی بیگ به آن اشاره نکرده است: -سوادآموزی شاه عباس در اواخر عمر. -مسلمان شدن جمعی از یهودیان در سال ۱۰۶۶. -شرح مشکلات پادشاهی در هند. -نارضایتی اهالی اصفهان از گرانی اجناس. -ورود قزاقان روسی برای راهزنی به شمال کشور. -بدرفتاری حاکمان ولایات با مردم و عزل و نصب‌های متعدد که ناشی از بی‌سامانی احوال کشور دارد. (وحیدقزوینی، ۱۳۲۹: ۱۳۸). ذکر نشدن این حوادث از جانب شاملو می‌تواند علل متعددی داشته باشد، از جمله کم‌اهمیت جلوه دادن آن‌ها در حمایت از دربار و یا به علت نامساعد بودن شرایط ووقفه در کار که نویسنده نتوانسته به ذکر این رویدادها بپردازد و یا بدلائل مختلف دیگر که پوشیده است. از جمله منابع دیگر این دوره «خلاصه التواریخ» و «زبد التواریخ» است که از آغاز حکومت پیشدادیان تا وفات شاه عباس دوم را شامل می‌شود. به طور کلی تمام کتاب‌هایی که در دورهٔ شاه عباس نوشته شده‌اند چه به لحاظ سبک و نگارش، به لحاظ محتوا شبیه یکدیگرند. مؤلف قصص الخاقانی در مورد صفات و ویژگی‌های اخلاقی شاه

عبّاس و دقت نظر وی در مورد رعایا می‌نویسد: «یکی از جمله صفات مرضیه آن پادشاه ملک عدل و داد، آن که هر کس را در بلاد ایران از شعله ستم ظالمی داغ الهی بودن و جگر بهم رسیده بی شک توسط مردم آگاه به مسامع باریافتگان جاه و جلالتش می‌رسید و در همان ساعت به مرهم دادپرسی و غوررسی جراحات، خاطر آن مظلوم را درمان می‌بخشید» (ولی قلی بیگ، ۱۳۷۴: ۲۰۶). در شرح اقدامات پادشاهان این سلسله، مؤلف با نزدیک‌تر شدن به دوره خود، تملق را بیش‌تر کرده و ضمن مدح و ستایش شاه، به سادگی از مسائلی چون قتل امراء و بزرگان دولت گذر کرده است. به عنوان مثال، امام‌قلی خان، سردار بزرگ عصر صفوی و فاتح هرمز این‌طور می‌نویسد که شاه صفی پس از ورود به قزوین «امام قلی خان بیگلریگی فارس و صفی‌قلی بیگ ولد او را مغضوب نموده به قتل ایشان فرمان داد و مقرر شد که اغورلو خان ایشیک آقاسی باشی به اتفاق وزیر ناظر اموال و اسباب آن‌ها را به حیطة ضبط آوردند» (همان: ۲۱۳) و هم‌چنین نقل زینل بیگ شاملو سردار سپاه صفوی و عیسی قورچی باشی و فرزندانش نیز چنین است (همان: ۲۱۲).

۳- نتیجه‌گیری

کتاب *قصص الخاقانی* دارای دو وجه مهم است: وجه ادبی و تاریخی. در زمینه ادبی آن، مؤلف خوش ذوق و ادیب اثر، ولی قلی بیگ شاملو، توانسته است با بهره‌گیری از آرایه‌های ادبی و قلم هنرمندانه، نثر تاریخی دل‌نشینی را رقم بزند و این کتاب را دارای ارزش ادبی فوق‌العاده‌ای کند. در زمینه تاریخی، مؤلف به لحاظ نزدیکی به مرکز قدرت، به شیوه مورخان درباری و با دیدی تمرکزگرایانه به نگارش اثر خود پرداخته است و بیشتر گزارش‌های وی در پیوند با فرمانروا و حاکمان ولایت است. از آن‌جا که این کتاب، شرح حال برخی از دانشمندان، حکیمان و بسیاری از فرمان‌ها و مکاتبات سیاسی را در بر دارد، منبعی مفید از احوال و شرایط عهد صفوی است.

در زمینه ارزش‌یابی سبکی این اثر، که موضوع این پژوهش بوده است، نتایج آماری به دست آمده نکات زیر را دربردارد: - از نظر سبک و ویژگی‌های زبانی در متن *قصص الخاقانی*، طبق آمار و ارقام، بیش‌تر فعل‌های به کار رفته افعال پیش‌وندی و مرکب هستند، کاربرد فراوان وجه وصفی و استفاده «نمود» به جای «کرد» در اثر دیده می‌شود. هم‌چنین به

علّت آن که نویسنده دقت فراوانی در اعلام تعداد افراد در (به کاربردن عدد و معدود) و تاریخ ماه و سال و روز دارد. فراوانی لغات عربی، تطابق صفت و موصوف، حذف فعل به قرینه از ویژگی‌های شاخص این اثر است. -از نظر ویژگی‌های ادبی و سبک و شیوه نگارش^۵ در بیش تر بخش‌های کتاب- از نمونه‌های نثر مصنوع و فنی است. تنسیق الصفات و تتابع اضافات و سجع در متن، بسیار فراوان دیده شده است؛ بخصوص در بخش‌هایی که نویسنده، شخص مهمی را معرفی یا مدح می‌کند از این آرایه‌های ادبی استفاده فراوانی کرده است. گرایش به تشبیه بلیغ، استفاده بسیار از آیات، احادیث و ضرب‌المثل‌ها نیز از ویژگی‌های اخص این اثر است.

وی اشعار زیادی از خود یا دیگران در نثر خود استفاده کرده است و دارای طبعی حماسه‌سراست و اشعارش را در بحر متقارب سروده است. مطالب فلسفی، اخلاقی و مذهبی و حتی موسیقی نیز در بین مطالب کتاب نمودار است. - از نظر سبک فکری نیز، شایان ذکر است در دوره صفویه، توجه شهریاران صفوی نسبت به مبلغان مذهبی و مروّجان شیعه باعث شد، انواع دانش‌ها و علوم مذهبی رونق یابد. اکثر نویسندگان و شاعران، مورد بی‌مهری دربار بودند. ولی قلی بیگ، با آگاهی نسبت به این جریان و استفاده از حضور در دبار، قلم زدن در راستای فعالیت‌های سیاسی و نظامی و بیان موفقیت‌های شاهان را سرلوحه نمود تا مورد بی‌توجهی قرار نگیرد.

علّت گزینش و بررسی بعضی از شاخصه‌های ادبی، به دلیل بسامد این ویژگی‌ها بوده است. برای مثال، در سبک ادبی، تنها تشبیهی که در کتاب یافت شد، تشبیه بلیغ بوده است و یا در ویژگی‌های زبانی، توجه بیشتر به ساخت فعل شده است، از این بابت که در سایر موارد، ساختار یا ویژگی خاصی مشاهده نشد. قلم و نوع نوشتار ولی قلی بیگ، نزدیکی فراوانی با سبک سایر نویسندگان و مورخان هم‌عصر او در عهد صفویه دارد و ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری وی دارای اشتراکات بسیاری با آنهاست. تفاوت سبک او با هم‌عصرانش، نبود سبکی یک‌دست در اثر است. او به اقتضای نیت خود در نوشتن، سبک نوشتاری متفاوتی ارائه نموده است. به نظر می‌رسد سبک او در بیان تاریخ و شرح اتفاقات دربار و جنگ‌ها، گرایش به سبک خراسانی دارد؛ لیکن هر جا که برای مدح پادشاهان، یا بروز هنر قلم خود تلاش کرده است و در این مورد، ذی‌نفع بوده به سبک هندی نزدیک

می‌شود. از این بابت است که نثر کتاب یک‌دست نیست. گاهی بسیار ساده و گاه بسیار فنی. غراب‌ها و تعقیدها- که در دوره‌های پیشین نامناسب انگاشته می‌شد- در این دوره ستوده می‌شد. ولی قلی بیگ نیز، از کاربرد این غراب‌ها در بخش‌های مدح شاهان صفوی، بی‌نصیب نمانده است. در مجموع می‌توان گفت، کتاب *قصص الخاقانی* واقعیت‌های تاریخی را با فنون ادبی و شعرها و تمثیل‌ها آمیخته و از لحاظ تاریخی از آن جا که گاهی، من باب خوش آمد شاهان، بعضی مسائل را کم‌رنگ‌تر یا ررنگ‌تر از حقیقت جلوه داده، تا این حد نمی‌شود به آن اعتماد کرد. بی‌شک، برای استفاده از این کتاب و مطالعه تاریخ این دوره، باید به منابع هم‌عصر و اظهارنظر شخصیت‌های متفاوت توجه داشت تا بتوان صحیح‌ترین دستاورد را کسب کرد. از این باب، مقایسه این اثر با سایر کتاب‌های تاریخی و ادبی هم‌عصرش، چه در زمینه سبک و ادبیات، چه در زمینه نکات تاریخی، می‌تواند موضوع خوبی برای پژوهش‌های آینده باشد.

فهرست منابع

الف) کتاب‌ها

۱. ابوعلی سینا. (۱۳۸۴). *منطق دانش‌نامه‌عالی*. تصحیح مهناز مقدسی. دانش‌نامه‌های ایرانی. نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲. الهاشمی، احمد. (۱۳۸۷). *جواهرالبلاغه*. ترجمه حسن عرفان. چاپ هفتم، قم: نشر بلاغت.
۳. بهار، محمدتقی. (۱۳۴۹). *سبک‌شناسی نثر*. چاپ سوم. تهران: نشر پرستو.
۴. راستگو، محمد. (۱۳۸۲). *هنر سخن آرای*. تهران: نشر سمت.
۵. ریاض‌الاسلام. (۱۳۷۳). *تاریخ روابط ایران و هند*. مترجم محمدباقر آرام و عباس‌قلی غفاری فرد. تهران: نشر امیرکبیر.
۶. شاملو، ولی قلی بیگ. (۱۳۷۴). *قصص الخاقانی*. ج ۱ و ۲. چاپ پنجم. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۷. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۲). *کلیات سبک‌شناسی*. تهران: انتشارات فردوس.
۸. صبا، محمد مظفر حسین. (۱۳۴۳). *تذکره روز روشن*. تهران: نشر اسلامی.
۹. غزالی طوسی، ابوحامد محمد. (۱۳۸۲). *کیمیای سعادت*. به کوشش حسین خدیوچم. چاپ دهم. تهران: نشر علمی فرهنگی.

۱۰. فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). **سبک‌شناسی نظریه‌ها روی کردها روش‌ها**. تهران: نشر سخن.
۱۱. نصرآبادی، محمد طاهرا. (۱۳۷۸). **تذکره نصرآبادی**. تصحیح وحید دستگردی. تهران: نشر فروغی.
۱۲. میرصادقی، جمال. (۱۳۷۷). **واژه‌نامه هنر داستان نویسی**. چاپ اول. تهران: انتشارات مهناز.
۱۳. ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۵۱). **دستور زبان فارسی**. چاپ هفدهم. تهران: انتشارات توس.
۱۴. وحیدقزوینی، محمدطاهر. (۱۳۲۹). **عباس‌نامه**. تصحیح ابراهیم دهگان. اراک: بی‌نا.
۱۵. همایی، جلال‌الدین. (۱۳۸۱). **فنون بلاغت و صناعات ادبی**. چاپ بیستم. تهران: نشر هما.

ب) مقاله‌ها

۱. سادات نصری، سیدحسین. (۱۳۵۶). «پژوهشی در کتاب قصص الخاقانی». *مجله هنر و معماری*. شماره ۱۸۳، صص ۲۲ تا ۲۳.
۲. سمیعی (گیلانی)، احمد. (۱۳۸۰). «مبانی سبک‌شناسی شعر». *فصل‌نامه ادب پژوهشی*. شماره ۲. صص ۴۹ تا ۷۶.
۳. صدرهاشمی، محمد. (۱۳۲۸). «کتاب قصص الخاقانی». *مجله دانش*. سال اول. شماره ۱. صص ۲۰ تا ۲۱.
۴. فرشیدورد، خسرو. (۱۳۵۰). «وجه فعل در فارسی معاصر». *مجله دانشکده ادبیات تهران*. سال ۱۸. شماره ۱. صص ۲۱۸ تا ۲۴۴.